



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۶/۲۰

محمد مُحق

روزگار تلخ اقلیت‌های دینی در افغانستان، از مروت گم شده تا مدارای ناپیدا

سال‌های متمادی است که اقلیت‌های دینی در افغانستان زیر فشار، تهدید و حمله‌های خشونت‌بار قرار دارند. اقلیت یهودی افغانستان از آغاز جنگ و جهاد، به جز شماری انگشت‌شمار، از این سرزمین کوچیدند و اینک تقریباً هیچ اثری از آنان نیست. پیروان آیین سیک و آیین هندو، هرچند به تلخی‌ها تن داده و سرزمین نیاکان شان را رها نکرده‌اند، اما شاهد ستم و اجحاف سهمگینی بوده‌اند، با سرنوشتی که در این سخن حافظ شیرازی به تصویر کشیده شده است: "سرها بریده بینی بی‌جرم و بی‌جنایت". اقلیت‌های دینی و مذهبی دیگر مانند احمدی‌ها، مسیحی‌ها و بهایی‌ها، از بیم مرگ، نمی‌توانند حتی اظهار وجود کنند. این همه نتیجه گسترش ناپردباری، نارواداری، و عدم مدارای دینی است. این در حالی است که از قرن‌ها به این سو کودکان ما در مساجد این سخن طلایی را از دیوان حافظ می‌آموختند: آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است/ با دوستان مروت، با دشمنان مدارا

در افغانستان دیری است مرز دوستی و دشمنی از میان رفته و مدارا و مروت چهره در نقاب کرده است. دست کم چهار دهه است که پیوسته بر طبل دشمنی کوبیده می‌شود، دشمنی مسلمان و کافر، دشمنی جهادی و کمونیست، دشمنی سنتی و مدرن، دشمنی شیعه و سنی، دشمنی صوفی و سلفی، به اضافه دشمنی‌های حزبی، قومی، سمتی، منطقه‌ای و زبانی، که از جنگ با واژگان زبانی آغاز می‌شود و تا جنگ با بسیاری از مظاهر عقلانیت، نوگرایی و توسعه‌یافتگی به پیش می‌رود.

حملاتی که بر معابد هموطنان هندو و سیک ما می‌شود، قله کوه یخی است با قاعده هرمی نهفته در فرهنگی اجتماعی که دیری است با مروت و مدارا بدرود گفته است. این روند فاجعه‌بار، بنا به تجربه دیگر کشورهای بحران زده، جنگ‌های فرقه‌ای، تنش‌های مذهبی، و دشمنی‌های دینی را به جوی‌هایی از خون وصل خواهد کرد، مگر این‌که در پی تحولی ریشه‌ای باشیم. تحول ریشه‌ای این وضعیت از تغییر در نصاب تعلیمی شروع می‌شود، با حذف همه محتویات آموزش دهنده نفرت دینی، و جای‌گزین ساختن آن‌ها با مضامینی از مروت، مدارا و هم‌دیگر‌پذیری. همچنان است نیاز به بازنگری اساسی در کار مساجد و منابر تا پیام‌رسان محبت و اخوت باشند نه دشمنی و نفرت، و بازنگری در کلیت نقش اجتماعی دین تا رشته وصل باشد نه عامل فصل.

رسانه‌های دیداری و شنیداری نیز می‌توانند در کنار نهادهای مدنی به لای‌روبی فرهنگی کمر ببندند، برای به سامان کردن هنجارهای اجتماعی بر پایه موازین اخلاقی. همه این‌ها هنگامی به نتیجه دلخواه خواهد انجامید که عقده‌های ناشی از سرکوب و محرومیت درمان یابد، و روان‌زخم دیده اجتماعی مرهم شود.

افغانستان اما اکنون در وضعیتی وارونه قرار داد، زیرا در چنگال گروهی افتاده است که الفبای مروت و مدارا را خوانده‌اند، و آن‌چه در طول سالیان فرا گرفته‌اند سراپا معکوس آن بوده است، از ترویج کین و نفرت تا استفاده از ابزار جنگ و خشونت. با تداوم حاکمیت تمامیت‌خواهانه این گروه نه اقلیت‌های دینی روی خوشی و آرامی را خواهند دید، و نه جامعه از تنش‌های مذهبی رهایی خواهد یافت، و بدون سعادت اقلیت‌ها، هیچ جامعه انسانی به سعادت نخواهد رسید.

د پانوشمیره: له 1 تر1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خبر و لولی